

قابلیت مطالبه ضرر جمعی توسط انجمن ها و سازمان های مردم نهاد (با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه)

سعید بیگدلی^۱ - احمد اختیاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

چکیده

ضرر جمعی که در معنای عام خود شامل ضررهای وارد بر تمامی افراد یک مجموعه و در معنای اخص، ضرر وارد بر کلیت یک جمع است بی آنکه ضرورتاً حاوی ضرری بر تک تک اعضای آن باشد، امروزه به دلایل متعدد مورد توجه حقوق کشورهای مختلف است. در این میان، یکی از پرسشهای اساسی، امکان مطالبه این گونه ضررها، توسط شخصیت حقوقی جمع است. علیرغم اهمیت موضوع و ضرورت تعیین تکلیف حقوقی آن، موضوع در قوانین داخلی مورد توجه کافی قرار نگرفته و رویه قضایی نیز قضاوت مشخصی ندارد. این مقاله تلاش کرده است تا ضمن بررسی موضوع در چارچوب ضوابط و قواعد حقوقی پذیرفته شده حاکم بر حقوق ایران، تجربه حقوق فرانسه نسبت به موضوع و قابلیت تعمیم آن بر حقوق ایران را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس به نظر می رسد، علیرغم تفاوت‌های موجود در دو نظام حقوقی از حیث تقنین و رویه قضایی، حقوق ایران نیز می تواند با ظرفیت های حقوقی موجود، همچون فرانسه به سمت گشودن راههای پذیرش این دعاوی در حقوق داخلی حرکت نماید.

کلید واژه ها: مسئولیت مدنی، ضرر، ضرر جمعی، ضرر گروهی، مطالبه غرامت

مقدمه

یکی از شرایط نظام مسولیت مدنی برای قابلیت مطالبه زیان، «شخصی بودن» ضرر است. از سوی دیگر، در تحلیل مفهوم «ضرر شخصی» و تفکیک آن از «ضرر عمومی»، زیان هایی قابل مشاهده اند که مابین این دو ضررند؛^۱ زیان هایی که به منافع جمعی و گروهی وارد می شوند، به گونه ای که به اشخاص معین و ثابتی محدود نمی شوند یا زیان آنچنان بین یک جمع وسیع و نامحصور پراکنده است که نمی توان زیان دیده اصلی را مشخص کرد. طبیعی است که خسارت جمعی، مخصوصاً هنگامی که در شکل انبوه و گسترده بروز می کند، اگر بنا باشد که همانند خسارت های معمول فردی مطالبه شود، دشواری هایی را برای نظام قضایی ایجاد می کند. علاوه بر این، گاه این نوع خسارات در بعد فردی یا عرفاً قابل احراز نیستند و یا، ناچیز و غیر معتابه هستند ولی از نظر جمعی، مبالغ هنگفتی را بر خلاف حق عاید عامل خسارت می کنند و چون در بعد فردی ارزش پیگیری ندارند، عملاً بی جبران می مانند. بعلاوه، یک فرد همیشه امکانات و توانایی مقابله با وارد کنندگان زیانی را که به لحاظ اقتصادی قدرتمند و برای دفاع از خود مجهزند را ندارد. درحالیکه، همین توان های انفرادی و اندک، اگر برای مطالبه جمعی خسارات مشترک با هم متحد گردد و ضمن یک دعوی مطرح شود، ضمن کمک به نظام قضایی در دادرسی بی دردسر، دقیق و عادلانه، باعث تجمع توان زیاندیدگان و کاهش هزینه و زمان رسیدن به نتیجه خواهد شد.

آنچه مطرح شد، دارای ابعاد و زوایای متعدد است که این نوشتار تنها می کوشد بدین سوال مهم پاسخ دهد که در ورای توانایی همه افراد گروه در اقامه دعوی جهت مطالبه زیان جمعی گروه، که امکان پذیر بودن آن در صورت وجود عناصر لازم برای مسئولیت مدنی با مشکلی مواجه نیست،^۲ آیا شخصیت حقوقی منسوب به جمع می تواند جهت مطالبه چنین زیانی اقدام نماید؟ با توجه به وضعیت متفاوت «شرکت های تجاری»، «تشکل های صنفی و حرفه ای» و

۱ Boré, Louis, La défense des intérêt collectif par les association devant les jurisdiction administratif et judiciaires, (Paris, L.G.D.J:1997).p.6

آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری (تهران، سمت، ۱۳۸۸)، ص ۲۷۷

۲ . R.Martin, "l' action en representation conjointe", j. c.p.(1994).I.3756

«انجمن ها و سازمان های مردم نهاد»، پاسخ به پرسش یاد شده در مورد هر یک، نیازمند بحث مستقل است و بررسی همه آنها در یک مقال ممکن نیست، بنابراین در این نوشته، پس از تبیین مفهوم زیان جمعی (گفتار ۱)، تنها به وضعیت موضوع در خصوص انجمن ها و سازمانهای غیر دولتی پرداخته خواهد شد (گفتار ۲).

۱- مفهوم زیان جمعی

در حقوق ایران، نویسنده شهری، ضرر جمعی را خسارتی دانسته است که «به جمعی محصور وارد آمده و چنان منتشر است که هیچکس نمی تواند خود را زیان دیده اصلی بداند و از این بابت اقامه دعوی کند»^۱. همین تعریف، عملاً توسط برخی از حقوقدانان نیز، مبنای شناسایی ضرر جمعی قرار گرفته است^۲. همچنین گفته شده است: «ضرری که به گروهی وارد شده است، بی آنکه بتوان تشخیص داد که زیان به فرد یا افراد معینی رسیده است»^۳.

برخی دیگر در تعریف این نهاد معتقدند: «زیان جمعی، زیانی است که به تعداد غیر معینی از اشخاص، به واسطه تعلقشان یا اعتقادشان وارد آمده است»^۴. با اینهمه به نظر می رسد، آنچه دو استاد مشهور فرانسوی، پلانیول و ریپر گفته اند، جامع تر و گویاتر از سایر تعاریف باشد: «زیانی که یک جمع متحمل آن می گردد و اعضای آن گروه تنها به این واسطه متضرر می شوند که یا عضو آن گروه هستند یا در اثر عکس العمل و انعکاسی که از سایر اعضای گروه به آنها می رسد متضرر می شوند»^۵. بر اساس این تعریف، فاصله و جدایی واقعی بین ضرر جمعی و فردی آشکار می گردد؛ به بیان ساده، زیان وارده به نفع جمعی، بوسیله عملی که پیش از همه، با یک جمع از افراد برخورد می کند شناسایی می شود و این که افراد، زیان دیده نیستند، مگر به دلیل این که

^۱ کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد اول (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷) ش ۱۱۷.

^۲ انصاری، باقر و دیگران، مسولیت مدنی رسانه های همگانی، چاپ اول (تهران، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح ریاست جمهوری، ۱۳۸۱) ص ۵۴۵، نقیبی، سید ابولقاسم، خسارت های معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶) ص ۱۷.

^۳ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، مسولیت مدنی، چاپ اول، (تهران، سمت، ۱۳۸۹) ص ۱۳۷.

^۴ Marty, G., Raynaud, P., Droit civil, les obligations, T. II, (Paris, Sirey, 1988), n. 385

^۵ planiol, M., Ripert, G., Traité pratique de droit civil français, T. VI, Obligations, 2^e éd. (Paris, L.G.D.J. 1990), n. 661

عضوی از اعضای آن جمع می باشند و نه اشخاصی غیر مرتبط و غیروابسته به جمع. بنابراین می توان نتیجه گرفت که نه تنها ضرر جمعی، متفاوت از ضرر فردی است، بلکه ضرر جمعی، همیشه جمع ضررهای فردی نیز نیست، بلکه ماهیتی متفاوت از آن دارد.

از سوی دیگر، نفع گروهی یا جمعی را با نفع عمومی نیز نباید یکسان انگاشت؛ منافع عمومی، با دو معیار کمی و کیفی، از منافع جمعی قابل تمیزند؛ نفع عمومی، در واقع نوع خاصی از نفع جمعی است؛ البته گروه و جمعیتی که همه افراد یک ملت را در بر می گیرد. وجه تمایز نفع جمعی و نفع عمومی، در بعد کمی آن، فراگیر بودن گروه در نفع عمومی، در سطح ملی است. از سوی دیگر، معیار دیگر تمایز، «نوع منافع» است. با این توضیح که منافع جمعی نوعاً تخصصی و مربوط به یک زمینه خاص هستند به طور مثال محیط زیست یک منطقه یا حرفه خاص و ... در حالی که منافع عمومی، مجموعه ای از منافع همه شهروندان را مد نظر دارد.

خلاصه اینکه، در یک بیان تمثیلی می توان گفت، نفع جمعی در واقع در میانه یک ساختار هرمی قرار گرفته است که رأس آن نفع عمومی است و قاعده آن، منافع فردی متکثر^۱.

۲ - حق طرح دعوی زیان جمعی از طرف انجمن ها و سازمان های مردم نهاد

در مورد زیان هایی که به جمعی از افراد وارد می شود به طوری که نتوان برای افراد آن جمع زیان مشخص و قاطعی را اثبات کرد، برای تعیین شخصی که حق اقامه دعوی دارد، باید جمع ها و گروه ها را بر دو قسم دانست؛ گونه نخست، جمع هایی که فاقد شخصیت حقوقی مستقل از اعضای خود هستند و دوم جمع هایی که برخوردار از شخصیت حقوقی می باشند. بدیهی است که جمع ها و گروههایی که از شخصیت حقوقی بی بهره اند نمی توانند مستقل از اعضای خود اقامه دعوی و درخواست خسارت نمایند.^۲ چون مطابق فرض، هیچ یک از افراد آن جمع دچار زیان مستقیم و قطعی نشده اند که به صورت فردی حق مطالبه خسارت داشته باشند. از سوی دیگر، هر یک از اعضای جمع به استناد این موضوع که عضوی از جمع است و جمع زیان دیده است نیز نمی تواند مطالبه ضرر جمعی نماید، چرا که علاوه بر دشواری پذیرش چنین دعوی به

^۱ Boré, op cit, p. 6

^۲ کاتوزیان، ناصر، همان منبع، ج ۱، ص ۲۷۳/ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۹

استناد نفع اجمالی خواهان و عدم نمایندگی وی از جمع زیان‌دیده، «شخصی و مستقیم» بودن نفع وی نیز که جزء شرایط اقامه دعواست^۱، با مشکل مواجه است. بنابراین، تنها ممکن است در گروه‌هایی که حائز شخصیت حقوقی اند، شخصیت یاد شده بتواند به نمایندگی از اعضای خود، زیان وارده به اعضای گروه را مطالبه نماید. از آنجا که وضعیت حقوقی اشخاص یاد شده نیز یکسان نیست، در مطالب آتی تنها از ظرفیت انجمن ها برای اقامه دعوی گروهی بحث کرده، ابتدا به بررسی امکان مطالبه زیان توسط انجمن ها و سازمان های غیر دولتی در حقوق ایران و سپس در حقوق فرانسه خواهیم پرداخت.

۲- ۱- امکان مطالبه زیان توسط انجمن ها و سازمان های غیر دولتی در حقوق ایران

انجمن، جمعیتی است که به طور مستمر و با شخصیت حقوقی برای وصول غرض معین گرد آمده و مقاصد غیر بازرگانی داشته باشد، خواه مؤسسين آن قصد انتفاع هم داشته باشند (مانند کانون های فنی و حرفه ای) یا نه^۲.

پیش از انقلاب اسلامی، مقرراتی در خصوص انجمن ها و سازمان های غیر دولتی به تصویب رسیده بود که عمدتاً با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال های ۱۳۶۷، ۱۳۷۵، ۱۳۸۲ و همچنین قوانین متفرقه دیگر مورد بازنگری قرار گرفته اند. از جمله مهمترین مقررات راجع به این تشکلهای، آیین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان های غیر دولتی است که هیأت وزیران به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسانده است. بر اساس این آیین نامه، «سازمان غیر دولتی به تشکل هایی اطلاق می شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیر انتفاعی و غیر سیاسی است». از دیدگاه این آیین نامه، فعالیتی که مشمول ماده ۱ قانون احزاب نگردد، دارای اهداف غیر سیاسی است. به تصریح بند چ ماده ۴ و نیز ماده ۱۶ آیین نامه، سازمان حق دارد در موضوع فعالیت خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی و شبه قضایی اقامه دعوی و داد خواهی نماید.

^۲ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، چاپ پانزدهم، (تهران، ذراک، ۱۳۸۶) ص ۵۰۶.

^۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، (تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰) ص ۸۹.

شکی نیست که انجمن مانند هر شخص حقوقی دیگری می تواند جبران خسارتی که خود متحمل گردیده را بخواهد. خسارت هایی که به اموال، شهرت و حیثیت انجمن وارد می شود در واقع ضرر شخصی انجمن محسوب شده و با طرح دعوی توسط مدیر یا انجمن قابل مطالبه است. بحث اصلی این است که در مورد زیان های وارد بر اعضا، انجمن ها چه اختیاراتی دارند. این موضوع در دو فرض قابل بررسی است: ۱- زیان های فردی وارد بر اعضای انجمن ۲- زیان های وارد بر کلیت جمع (زیان جمعی).

۱-۱-۲- دعوی جبران خسارت وارد بر اعضا: بنا به نظر یکی از حقوقدانان، چنانچه اساسنامه انجمن اجازه داده باشد، انجمن می تواند خسارت های فردی اعضا را نیز بخواهد.^۱ اما به نظر می رسد، طرح دعوی از سوی انجمن، به نمایندگی از اعضا و صرفاً به استناد مفاد اساسنامه، با توجه به مقررات حاکم بر دادرسی، قابل تردید باشد. چرا که طرح دعوی از سوی دیگری، ساز و کار مشخصی دارد که همانا دادن وکالت در خصوص همان دعوی، تنظیم وکالت نامه با رعایت تشریفات شکلی و مستلزم طرح دعوی از سوی وکیل دادگستری است. طبعاً نمایندگی انجمن از اعضای خود نمی تواند نمایندگی قانونی یا قضایی تلقی شود و این نمایندگی بیشتر با نمایندگی قراردادی تناسب دارد چرا که اساسنامه انجمن در واقع نوعی عمل حقوقی است که با وجود برخی از تفاوت ها باید آن را در زمره قراردادهای به شمار آورد.^۲ هر چند به لحاظ تحلیل و اصول حقوقی، تفویض نمایندگی برای طرح دعوی به موجب اساسنامه، مانند هر عمل قابل نیابت، ممکن و قابل دفاع است اما در عمل، با توجه به قوانین موجود و رویه محاکم و تأکید اساتید متخصص^۳، نمایندگی قراردادی را باید به وکلای دادگستری و نمایندگی حقوقی وزارتخانه ها مصرح در ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی مدنی و نیز مواردی که شخص بر اساس قانون می تواند نماینده غیر وکیل دادگستری معرفی نماید، منحصر نمود؛ بنابراین، تصریح به نیابت انجمن نسبت به منافع شخصی اعضا نیز، باعث حق طرح دعوی انجمن نمی شود. بنابراین، حتی با تصریح به نیابت انجمن نسبت به منافع شخصی اعضا نیز، طرح دعوی تنها می تواند از طریق انعقاد عقد وکالت با وکلای دادگستری صورت گیرد و انجمن از صلاحیت کافی برای طرح مستقیم دعوی در مراجع

۱ کاتوزیان، ناصر، همان منبع، ج ۱، ص ۲۷۴

۲ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ هفتم، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵) ص ۵.

۳ شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، ص ۵۳۱



قضایی بی بهره است.

همین استدلال در حقوق خارجی نیز پذیرفته شده است. به عنوان نمونه، در حقوق فرانسه که ماده ۱-۴۲۱ قانون مصرف و ۳-۱۴۳ قانون محیط زیست، به انجمن های مرتبط اجازه داده است، خسارت شخصی اعضای خود را به نمایندگی از ایشان مطالبه نمایند، حقوقدانان تأکید کرده اند که این نمایندگی، استثنائی بر قواعد عمومی و کالت است و طبعاً باید از گسترش آن اجتناب شود.^۱

۱-۲ - ۲ - ۲ - ۱ - ۲ - دعوی خسارت وارد بر کلیت جمع: تردیدهای اصلی در خصوص حق اقامه دعوی انجمن، در مورد زیان های وارد بر کلیت جمع است. در حقوق داخلی حقوقدانان، عمدتاً دو مشکل را مانع احتمالی مطالبه زیان جمعی اعضا توسط انجمن ها و نهادهای غیر دولتی دانسته اند؛ نخستین اشکال اینکه، گفته شده است چون در زیان های جمعی، اعضای انجمن به طور منفرد نفع کافی در اقامه دعوی ندارند، پس اجتماع اعضا نیز چنین حقی نخواهند داشت. به بیان دیگر، انجمن ها صلاحیت و اهلیتی بیش از اعضای خود ندارند و نمی توانند به نام مصالح عمومی صنف یا طبقه معینی طرح دعوی جبران خسارت کنند مگر اینکه قانون این سمت را به آنها داده باشد.^۲ اشکال دیگر اینکه، این دسته از خسارت ها که به اهداف انجمن ها وارد می شود در حقیقت خسارت هایی اجتماعی و عمومی است که به جامعه وارد می گردد و جبران زیان های اجتماعی و عمومی معمولاً از طریق اقامه دعوی کیفری و از ناحیه مدعی العموم صورت می پذیرد. بنابراین انجمن ها در تعقیب جرائم از صلاحیت و اهلیت برخوردار نیستند.^۳

در مقابل، استدلال شده است که اغلب انجمن ها هدفشان حمایت از منافع اخلاقی و معنوی اعضای انجمن است و همین منافع مشترک است که هدف تشکیل دهنده انجمن است و منافع معنوی اعضا در واقع سرمایه معنوی این تشکل ها را تشکیل می دهد، پس لطمه زدن به این سرمایه معنوی موجب مسئولیت است و حق مطالبه خسارت به انجمن می دهد.^۴ به بیان دیگر، با

۱ Flour, J., Aubert, J.L., Savaux, E., Les obligations, (Paris, ARMAND COLIN, DELTA, 2004) p. 449

۲ حیاتی، علی عباس، مسولیت مدنی، چاپ اول، (تهران، میزان، ۱۳۹۲) ص ۱۲۷. کاتوزیان، ناصر، همان منبع، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۴/ صفایی سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۷

۳ نقیبی، سید ابولقاسم، همان منبع، ص ۳۶۹/ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۸

۴ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۹/ کاتوزیان، همان منبع، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۵

تشکیل انجمن، منافع اجمالی و نامشخص و پراکنده ای که اعضای آن دارند کم و بیش صورت خارجی می یابد و تقویت می شود. از سوی دیگر، نمی توان ادعا کرد که زیان جمعی به کلی مستقل از زیان اعضایی است که در آن شرکت دارند، بنابراین اگر اهانتی به تمام کسانی که به حرفه ای اشتغال دارند شود، و این آزار چندان نباشد که صلاحیت درخواست خسارت به هیچ فردی بدهد، نباید پنداشت که از جمع چند عامل بی صلاحیت، حقی برای جبران خسارت به وجود نمی آید.^۱

بنابراین، بنا به استدلال های یاد شده، تردید در ذیحق بودن اقامه دعوی انجمن به دلیل عدم شایستگی انفرادی اعضای انجمن در اقامه دعوی، مردود انگاشته شده است. با این همه، آیا می توان این امر را به معنی نمایندگی کامل انجمن ها در اقامه دعوی از سوی تمامی کسانی دانست که در حوزه فعالیت انجمن قرار می گیرند و آیا این امر، در تعارض با صلاحیت مدعی العموم در پیگیری زیان های اجتماعی و عمومی نیست؟

استاد فقید، دکتر کاتوزیان برای رفع اشکال یاد شده چنین ابراز کرده اند: «در هر مورد که دادگاه تشخیص دهد اقدامی به منافع اخلاقی و آرمان های گروهی به اجمال آسیب می رساند و انجمن تشکیل شده از آن گروه چنان سرمایه معنوی اندوخته است که لطمه آن را بایستی صدمه به تمام اشخاص ذینفع دانست، انجمن مظهر جمع شناخته می شود و صلاحیت اقامه دعوی برای جبران خسارت معنوی را دارد. بر عکس هر گاه هیچ گونه زیانی به اعضای انجمن نرسد، یا تشکیل انجمن به گونه ای نباشد که بتوان آن را مظهر جمع شناخت، گرفتن خسارت امکان ندارد»^۲. دیدگاهی که عملاً مورد تبعیت دیگر حقوقدانان نیز قرار گرفته است^۳.

علیرغم ذی حق بودن انجمن ها و سازمان های غیر دولتی در طرح دعوی ضرر جمعی اعضای خود، امکان عملی طرح دعوی آنها نیازمند نص قانونی است. چرا که پیشتر نیز بیان شد که بر اساس نظام تقنینی موجود، نمایندگی در طرح دعوی دیگری در مراجع قضایی، اگر از طریق وکلای رسمی دادگستری نباشد، نیازمند نص قانونی است^۴. حقوقدانان برای اثبات

۱ کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۵

۲ کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۶

۳ بهرامی احمدی، حمید، ضامن قهری (مسئولیت مدنی)، چاپ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱) ص ۲۱۶. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۹/حیاتی، علی عباس، همان منبع، ص ۱۳۱

۴ شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، ص ۵۳۱

صلاحیت قانونی انجمن ها و سازمان های موضوع بحث، گاه به ماده ۵۸۸ قانون تجارت استناد کرده اند که تمامی حقوق اشخاص حقیقی را بجز آنچه بالطبع متعلق به انسان است، برای اشخاص حقوقی نیز در نظر گرفته است^۱ و گاه مواد دیگری همچون ماده ۱۳۱ قانون کار در مورد صلاحیت انجمن های صنفی برای دفاع از منافع مشروع اعضای خود را به قیاس مورد بهره برداری قرار داده اند.^۲

با اینهمه به نظر می رسد بند چ ماده ۴ و ماده ۱۶ آئین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان های غیر دولتی که به این مجموعه ها در موضوع فعالیت خود برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی و شبه قضایی حق اقامه دعوی و دادخواهی می دهد، قابل استناد تر باشد. بعلاوه، همچنانکه پیشتر گفته شد، چون نگرانی از به هم آمیخته شدن مرز میان دعاوی خصوصی و عمومی ممکن است باعث ردّ دعوای انجمن ها در دفاع از حقوق اعضای خود باشد، مقرر شده با تصریح به امکان طرح دعوی برای دفاع از «منافع عمومی» (که اصولاً امری فراتر از دعاوی جمعی یا گروهی است)، بهتر می تواند توجه گر صلاحیت این سازمان ها برای دفاع از اعضای خود باشد.

هرچند ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به سازمان های مردم نهاد با موضوعات پیش بینی شده در قانون اجازه داده است که در زمینه فعالیت های خود، اعلام جرم نمایند و ضمن شرکت در مراحل مختلف دادرسی و اقامه دلیل، در صورت نیاز، به آراء مراجع یادشده نیز اعتراض نمایند، ولی این ماده، حقی برای سازمان ها در مطالبه ضرر ناشی از جرم قائل نشده است؛ امری که نقطه افتراق وضعیت تقنینی حقوق ایران با رویه قضایی عملی فرانسه و نصوص قانونی آن کشور در حمایت از دعاوی خصوصی مطالبه غرامت به تبع دعوای کیفری مطروحه است (که بدان خواهیم پرداخت)^۳.

۱ باریکلو، علیرضا، مسولیت مدنی، چاپ دوم، (تهران، میزان، ۱۳۸۵) ص ۲۱۸. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۹

۲ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، همان منبع، ص ۱۳۹

۳ ماده ۶۶ ق. آ. د. ک: سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی، جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.



۲-۲ - امکان مطالبه زیان توسط انجمن ها و سازمان های غیر دولتی در حقوق فرانسه
در حقوق فرانسه، دعاوی انجمن ها را می توان در دو دسته کلی جای داد: در دسته نخست، انجمن ها به دفاع از مجموعه منافع فردی اعضایشان تحت عنوان زیان گروهی بر می خیزند که اصطلاحاً "دعوی گروهی" نامیده می شود^۱ و در دسته دیگر، انجمن ها به منافی فراتر از منافع اعضای خود استناد می کنند. در این حالت، در واقع، انجمن ها از اهداف جمعی خود دفاع می کنند که این نوع دعوا، "دعوی جمعی" نامیده می شود^۲.

۲-۲ - ۱ - دفاع انجمن از منافع اعضای خود: برخی از انجمن ها یک موضوع محدود دارند که باعث گرد آمدن اعضای آن شده است. به بیان دیگر، این انجمن ها فقط برای این به وجود آمده اند که افرادی را که منافع فردیشان خسارت دیده را باهم متحد کنند «به طوری که عامل گرد آمدنشان در قالب یک انجمن، فراهم آمدن دفاع بهتر بوده است». این انجمن ها را «لیگ های دفاع^۳» یا «کمیته های دفاع^۴» نامیده اند. کمیته های مصرف کنندگان و کمیته های پشتیبانی و ... از این قبیل هستند.

البته پذیرش دعاوی این انجمن ها برای دفاع از منافع اعضای خود در آئین دادرسی فرانسه با موانعی روبرو بوده است؛ مانع اول اصل «En France, nul, ne plaide par procureur» (در فرانسه هیچکس نمی تواند به نام دیگری اقامه دعوی کند)^۵ است. بر مبنای این اصل، فقط خود ذینفع یا کسی که از جانب وی نمایندگی (به طور خاص در آن دعوی) دارد، می تواند اقامه دعوی کند و دومین مانع در راه پذیرش دعاوی انجمن، مربوط به شرایط زیان قابل مطالبه است؛ تنها شخصی

۱ L' action groupée

۲ L' action collective

۳ Ligue de défense

۴ Comité de défense

۵ البته ترجمه تحت اللفظی این عبارت اینچنین است: "در فرانسه هیچ کس نمی تواند از طریق دادستان اقامه دعوا کند" یا "دادستان نمی تواند به جای هیچ کس اقامه دعوا کند". سابقه این اصل به نمایندگانی که پادشاهان فرانسه در محاکم برای دفاع از خود داشتند بر می گردد. این نمایندگان تا قرن چهاردهم غیر از امور خاص سلطنتی در موارد دیگر نیز قبول وکالت می کردند ولی از این قرن به بعد، استفاده از دادستان ها برای اشخاص ممنوع شد و فقط مدافع حقوق سلطنت شدند که پس از زوال نظام سلطنتی این نقش نیز از بین رفت. اینک با توجه به سابقه موضوع، از این تعبیر به عنوان قاعده ای عمومی برای امکان پذیر نبودن طرح دعاوی شخصی توسط دیگری استفاده می شود.

می تواند جبران خسارت را مطالبه کند که شخصاً و مستقیماً از عمل زیانبار متضرر شده باشد، در حالی که انجمن نمی تواند صدمه به نفع شخصی و مستقیم خود را مورد استناد قرار دهد. رویه قضایی کیفری، به واسطه تفسیر مضیق این دو اصل، دعاوی انجمن ها در این خصوص را با محدودیت مواجه کرده است^۱. اما رویه قضایی مدنی در مقابل، به طور کامل و در همه زمینه ها این دعاوی را مورد پذیرش قرار داده و نظریه «دعای انجمنی» (L' action associative) را پایه ریزی کرده است.

بر اساس روند قدیمی و تثبیت شده محاکم مدنی، یک انجمن می تواند برای دفاع از منافع اعضای خود اقامه دعوا کند. به طور دقیق، دیوان عالی کشور در این باره تصریح کرده است «هر دعوی که اعضا می توانند به طور فردی مطرح کنند را می توان به طور جمعی نیز از طریق انجمن اقامه نمود^۲».

به طور کلی می توان شرایط پذیرش دعاوی انجمن ها از سوی محاکم مدنی برای دفاع از منافع اعضای خود را در چند مورد دسته بندی کرد:

الف - ضرورت آسیب به منافع فردی اعضای انجمن: انجمن در چنین دعوی در واقع در پی حمایت از منافع اعضای خود است. بنابراین باید ضرر شخصی اعضای انجمن قابل اثبات باشد. چنانکه برخی از نویسندگان این روش را «دعای گرد آوری شده^۳» نامیده و جمعی دیگر از اصطلاح «دعای نیابتی انجمن^۴» استفاده کرده اند (Le Tourneau, 2008, p. 453). شرط وجود خسارت های شخصی اعضای انجمن، این موضوع را از بحث دفاع انجمن از «خسارت جمعی^۵» و خسارت وارد بر این اهداف تفکیک می کند.^۶

از جمله پرونده های مهم و تاثیرگذار در این زمینه، دعوی «انجمن لیگ مصرف کنندگان گاز و برق» است. در این دعوی، انجمن مزبور به استناد خسارتی که در نتیجه قطع جریان برق به

^۱ Vincent et Guinchard , procédure civile,(paris, Dalloz, 1987), n. 124

^۲ Civ.23 juill.1918, D.p.1018.1.52;S.1921,1,289, note chavégrin.

^۳ action regroupée

^۴ action déléguée a l'association

^۵ L' action collective

^۶ B.Javaux, "Les actions de groupe en france,règimes juridiques et perspectives",D.2016,p.122

اعضایش وارد شده است، بر اساس ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، جبران خسارت را از سوی شرکت ارائه دهنده خدمات نیروی برق تقاضا می کند. دادگاه «پواتیه»، این دعوی را بدون توجه به اینکه این دعوی در راستای موضوع تأسیس انجمن است رد می کند. این رای توسط اسمن (Esmein)، حقوقدان مشهور فرانسوی مورد انتقاد قرار می گیرد. وی در یادداشت خود ذیل این حکم که در مجموعه سیری منتشر می شود، به هدفی که در اساسنامه به عنوان تعهدات انجمن آمده، یعنی «دفاع از منافع مصرف کنندگان» اشاره می نماید و با توجه به خسارتی که در اثر قطع جریان برق متوجه عده ای از اعضا شده، از صحیح بودن این دعوی جانبداری می کند.^۱ سرانجام در سال ۱۹۲۹، دیوان عالی کشور در رأی خود، چنین حکم می کند: «مصرف کنندگان گاز و برق می توانند آنچه پیش از این به طور فردی مجاز به مطالبه آن بودند را به صورت جمعی انجام دهند^۲». در واقع هیچ مانع یا دلیل مخالفی وجود ندارد که وقتی دعوای اعضای انجمن به صورت فردی قابل پذیرش است از طریق انجمن، به طور جمعی قابل پذیرش نباشد. البته این رأی به طور ضمنی حاوی این نکته هم هست که وقتی ضرری به افراد وارد نیامده، طرح دعوی از سوی انجمن تحت عنوان، «دفاع از منافع جمعی» محملی نخواهد داشت. این شرط با بیان صریح در آراء جدیدتر مشاهده می شود: «هنگامی می توان دعوای انجمن را پذیرفت که بررسی اساسنامه آن انجمن نشان دهد که صرفاً تحت هدف کلی حفاظت از منافع کلی جمع تاسیس نشده، بلکه باید در اساسنامه صریحاً موضوع طرح دعوی برای دفاع از منافع فردی اعضا قید شده باشد^۳».

ب- انجمن بر اساس پیمان اجتماعی^۴ (اساسنامه)، صریحاً اجازه دعوی برای دفاع از منافع اعضایش را داشته باشد.

در این مورد رأیی از دیوان عالی فرانسه صادر شده که موضوع را روشن می کند. انجمن «مالکان ساختمانی ...» دعوایی به عنوان الزام برخی از مالکان به رعایت دفترچه فنی شارژ شهرک مطرح می نماید. این دعوی هر چند در مرحله بدوی پذیرفته می شود، اما در مرحله تجدید نظر و نیز دیوانعالی کشور رد می شود به این استناد که «در ماده ۲ اساسنامه که مربوط به موضوع انجمن

^۱ Poitiers, 28 dec. 1925, S. 1926, 2, 65, note Esmein

^۲ Civ. 25 nov, 1929, D.H. 1930, 1, 28.

^۳ T.G.I. Nanterre, 15 mars 1984, Gaz pal, 1084, som. 291

^۴ Pacte social

است، صریحاً قید نشده که انجمن می تواند برای جبران خسارت اقدام به طرح دعوی کند». در حالی که ماده ۲ اینطور تنظیم شده بود: «هدف انجمن به طور کلی تأمین محافظت از بناها و محیط زیست شهرک و بطور خاص مراقبت در مورد اجرای دفترچه فنی شارژ می باشد». شاید تصور شود که این هدف و موضوع، اقامه دعوی برای جبران خسارات را هم در بر می گیرد، اما دیوانعالی و نیز دادگاه تجدید نظر این تصور را نپذیرفته اند، با این استدلال که: «هدف مزبور، لزوماً مقتضی آن نیست که انجمن مجاز به اقامه دعوایی قضایی برای جبران ضرری شود که برای انجمن نه شخصی است و نه مستقیم».^۱

البته دیوان کشور، پیش از آنکه به موضوع نگارش ماده ۲ اساسنامه پردازد، این موضوع را خاطر نشان کرده است که «هر یک از مالکان قسمت های اختصاصی، رأساً می توانند الزام دیگر مالکان را برای رعایت مقررات دفترچه شارژ به استناد عدم اجرای تعهدات قراردادی بخواهند، بدون اینکه وقوع خسارتی را ثابت نمایند».

ج - زیان مورد ادعا ممکن است فقط به یکی از اعضای انجمن وارد شده باشد: ضرورتی ندارد که همه اعضای انجمن متحمل زیان شده باشند.^۲ برای اینکه انجمن حق طرح دعوی داشته باشد، کافی است که حداقل یک نفر از اعضا متحمل زیان شده باشد و این زیان مربوط به موضوع انجمن باشد و در واقع، آن هدف را دچار آسیب کند، به طوری که نسبت به سایر اعضای انجمن، تهدیدی بالقوه محسوب شود.^۳ در این فرض، «دعوی نیابتی انجمن» قطعاً از اصطلاح «دعوی گردآوری شده» رساتر خواهد بود.

د - وقوع زیان مورد ادعا می تواند سابق بر تاریخ تشکیل انجمن باشد: همچنانکه نویسندگان فرانسوی نوشته اند^۴ زیان حتی می تواند سابق بر تشکیل انجمن باشد. در یکی از آرای شعبه مدنی دیوانعالی کشور فرانسه آمده است: «یک انجمن که به طور قانونی تشکیل شده می تواند برای جبران خسارت وارد بر منافع جمعی اعضای خود اقامه دعوی کند و این دعوی در محدوده موضوع اجتماعی انجمن قابل پذیرش است، حتی اگر خسارت ادعایی پیش از تاریخ تأسیس

^۱ Civ.3^e, 10 oct. 1978, 581, note E. Franck

^۲ Le Tourneau, P., et Cadiet, I., Droit de la responsabilité, (Paris, Dalloz, 1996), p. 454.

^۳ Civ. 1^e, 27 mai. 1975, bull. I, n 174; D. 1976, 318, note vincy.

^۴ Malaurie, Aynès, Munck, op cit, p. 122 / Le Tourneau, op cit, p 453

انجمن واقع شده باشد. چنانکه وقتی که پس از گذشت چند سال، تعدادی از افراد، شخصاً یا از طریق طرح شکایت در محاکم موفق به حذف یا کاهش آثار غیر مطلوب مجاورت کارخانه صنایع غذایی نشده باشند قضات بر اساس تفسیر مفاد اساسنامه و موضوع انجمن، به درستی ارزیابی نموده اند که در واقع یک «کمیته پشتیبانی» تشکیل گردیده و ارتباط افراد ذینفع با گذشته قطع نشده است. بلکه بر عکس دعوا به اعتبار انجمن که وظیفه حمایت از منافع افراد را دارد و مستند به منافی که پیش از این وجود داشته است، ادامه می یابد و بنابراین می توان دعوی انجمن نسبت به خسارتی که منشأ آن پیش از شکل گیری انجمن بوده را مورد پذیرش دانست.^۱

حال باید دید که آیا دعوی انجمن برای دفاع از منافع اعضای خود با اصول بنیادین آیین دادرسی مدنی سازگار است؟

پذیرش دعوی انجمن ها با شرایطی که بیان شد، می تواند با دو اصل اساسی آیین دادرسی فرانسه در تضاد قرار گیرد؛ نخست، اصل سنتی که «در فرانسه هیچ کس نمی تواند به نام دیگری اقامه دعوی کند»^۲ و دوّم اینکه برای طرح دعوی خسارت، فرد باید متحمل ضرر مستقیم و شخصی شده باشد.^۳

برای توجیه عدم مغایرت دعوی انجمن از جانب اعضا با این اصول، چند نظریه ارائه شده است:

الف- نظریه آورده اعضا: از دیدگاه پاره ای از نویسندگان، حق اقامه دعوی از سوی انجمن با شرایط مزبور، از طریق ایده عضویت و آورده اعضا قابل توضیح است. بر مبنای این نظریه، هر یک از اعضای انجمن نفع فردی خود را به عنوان «آورده»^۴ به جمع می آورد و در واقع «سرمایه و دارایی معنوی» انجمن از همین آورده های اعضا شکل می گیرد. این نظریه در دکترین، از سوی مازوها مورد دفاع قرار گرفته است.^۵ در حقوق داخلی نیز دکتر کاتوزیان به این دیدگاه پیوسته اند.^۱

^۱ Civ. 1^{er}, 27 mai 1975.

^۲ En France, Nul ne plaide par procureur

^۳ Art.2. code procedure penal: l' action civil en réparation du dommage causé par un crime, un délit ou une contravention appartient à tous ceux qui ont personnellement souffert du dommage directement causé par l' infraction

^۴ Apport personnelle

^۵ Mazaud, Henri & Léon & Jean, leçons de droit civil, Obligations, (Montchrestin, paris, 2000), p. 710.

بر این اساس، با کنار هم نهادن این منافع فردی، سرمایه مشترکی برای انجمن شکل می گیرد و انجمن در اقامه دعوی خود در مورد دفاع از منافع فردی، در واقع از این سرمایه مشترک محافظت می کند. اشکال وارد بر این نظریه، این است که در صورت پذیرش این مبنا، دادگاه دیگر نمی تواند همزمان به چند خسارت حکم دهد و یا خسارت را با توجه به افراد تفکیک کند، چرا که حاصل ایده ای که حق شخصی طرح دعوی را به عنوان آورده هر فرد به انجمن تلقی می کند، این است که افراد حق خود را در این خصوص به انجمن واگذار کرده و به نفع انجمن از این حق صرف نظر نموده اند. بنابراین، دیگر شخصاً نمی توانند از این حق طرح دعوی استفاده کنند. پذیرش دعوی توسط دادگاه هم به این معنی خواهد بود که دعوای افراد عضو بطور جداگانه قابل پذیرش نیست. در حالی که دلیلی وجود ندارد دعوایی که به صورت جمعی مطرح گردیده به نحو فردی قابل طرح نباشد.^۲ از این رو دیوان عالی فرانسه، همواره تأکید کرده است که عضویت در «انجمن های دفاع» به معنای اعراض از حق طرح دعوای شخصی نیست و هر فرد رأساً نیز می تواند این حق را اجرا کند.

ب- نظریه وکالت ضمنی (نیابت): دیدگاه دیگر در مورد مبنای اختیار انجمن در طرح دعوی برای دفاع از منافع فردی اعضا این است که هر کدام از اعضا در واقع به انجمن، «وکالت ضمنی» داده اند که از جانب آنها اقدام کند و انجمن به نیابت از اعضا حق اقامه دعوی دارد.

بر این اساس، عضویت در کمیته دفاع در حکم اعطای وکالت در مورد یک دعوای خاص^۳ خواهد بود.^۴ این نظریه نسبت به نظریه «آورده اعضا» کمتر تصنعی به نظر می رسد و با دیدگاه دیوان عالی در مورد امکان طرح دعوای جداگانه از سوی اعضا نیز سازگاری دارد.

ج- نظریه زیان غیر مستقیم: بر اساس این دیدگاه، انجمن در اثر انعکاس و بازتاب زیان های فردی اعضای خود دچار زیان غیر مستقیم (préjudice par ricochet) شده است و از این باب حق اقامه دعوی دارد. اما باید گفت که این دیدگاه چندان قابل پذیرش نیست. چرا که نتیجه آن این

۱ کاتوزیان، ناصر، همان منبع، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۵

۲ Guinchard, serge, " L'action de group en procédure civile française, recue international", 42, N.2,(1990), p. 375.

۳ mandataire ad litem

۴ Marty,G., Raynaud, P., Droit civil, les obligations, T. II,(paris, Sirey, 1988) p. 370

ژوردن، پاتریس، اصول مسولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ چهارم، (تهران، میزان، ۱۳۸۴) ص ۱۸۷.

خواهد بود که خسارت جداگانه ای برای انجمن در نظر بگیریم که وقوع آن مسلم نیست و در واقع، انجمن برای دفاع از منافع فردی اعضا طرح دعوی نکرده است، بلکه به واسطه اینکه خود را غیر مستقیم زیان دیده می داند، ادعای خسارت می کند و این موضوع با معیارهایی که پیش از این گفتیم، سازگاری ندارد.^۱

د- نظریه موضوع اجتماعی: مبنای زیان انجمن، خسارتی است که به حداقل یک عضو انجمن وارد شده باشد و این به واسطه موضوع اجتماعی انجمن می باشد که به موجب اساسنامه برای این شخص حقوقی تعیین شده است. در واقع، موضوع انجمن این است که زیان جبران نشده ای برای اعضاء (حتی یک عضو) باقی نماند. بنابراین، انجمن بر اساس این موضوع اجتماعی اقدام به طرح دعوی می کند.

این نظریه، با رویه قضایی فرانسه که بر روی پیمان اجتماعی، تأکید دارد هماهنگ است. به ویژه این مبنا مخالفی با دعاوی همزمان انجمن و اعضا یا باهم بودن (Coexistence) دعاوی انجمنی و دعاوی انفرادی ندارد.^۲ هر چند می توان گفت که این نظریه، انتقال حق فردی اقامه دعوی را به انجمن مورد تحلیل قرار نمی دهد، این که اعضای انجمن با پیوستن به آن در واقع در یک پیمان جمعی شرکت جسته اند و پذیرفته اند که موضوع انجمن از جمله طرح دعوی برای حمایت از منافع فردی است، در واقع یک نظریه جدید نیست بلکه در قالب همان دو نظریه نخست یعنی آورده اعضا و اعطای نیابت قابل طرح است.

مبنای طرح دعاوی انجمن هر چه باشد، رویه قضایی مدنی فرانسه، موضوع دفاع انجمن از منافع فردی اعضا را کاملاً پذیرفته و به شرحی که گفتیم شرایط آن را تعیین نموده است.

۲-۲-۲ - دفاع انجمن ها از منافع جمعی (مربوط به اهداف بزرگ)

در محور دوّم، انجمن ها ممکن است برای حمایت از منافع جمعی که به طور عینی و نوعی (objective) در نظر گرفته می شود، طرح دعوی کنند. در این حالت، انجمن ها به منافی فراتر از منافع فردی اعضایشان استناد می کنند؛ موضوعاتی که بر خلاف نوع اول که در گفتار پیشین بررسی شد، در حوزه مطالبه حقوق شخصی (subjective) جای نمی گیرد، بلکه مربوط به پیگیری

^۱ Guinchard, op cit, p. 613

^۲ Guinchard, op cit, p. 613

اهداف و ارزش های جمعی و شبه عمومی است. این مورد که در اکثر مصادیق، از حمایت از منافع جمعی اعضای گروه فراتر رفته و عملاً به دفاع از مصالح و منافع عمومی نیز می انجامد، در حقوق فرانسه به «اهداف بزرگ»^۱ تعبیر شده و انجمن هایی که در این خصوص فعالیت می کنند به «نوع دوست»^۲ مشهورند.

برای گشودن این بحث باید به پرسش هایی پاسخ داد، از جمله اینکه آیا انجمن ها فقط می توانند در مورد منافع و حقوق فردی و معین اعضای خود که در اساسنامه آمده، طرح دعوی کنند؟ یا اینکه می توانند در مورد نفع جمعی فراتر از اعضای خود نیز اقدام کنند؟ آیا صدمه به اهداف جمعی که انجمن ها تعقیب می کنند را می توان به عنوان ضرر قابل جبران محسوب کرد؟ آیا تعقیب چنین امری جنبه خصوصی دارد یا عمومی؟

واقعیت این است که پیگیری صدمه به اهداف یک جمع دارای ویژگی هایی است که نتیجه آن، متفاوت بودن وضعیت دعاوی راجع بدان نسبت به سایر دعاوی جمعی است؛ حقوقدانان فرانسه، سه عنصر اساسی برای این نوع ضررها ذکر کرده اند: نخست اینکه، ضرر به هدف انجمن یا سازمان می رسد. دوم اینکه، ضرر به گونه ای منتشر است که نمی توان به تفصیل، ضرر وارد بر افراد را شناسایی کرد و دیگر اینکه، منشا ضرر، خطری سوءاستفاده گرایانه است.^۳ بر همین اساس، از سویی، ضرورتاً زیان قابل احراز و اثباتی بر اعضای سازمان وجود ندارد و از سوی دیگر، بسیاری از افراد نیز متضرر می گردند که در خارج از محدوده سازمان یا انجمن قرار می گیرند و عضو آن نیستند. همین امر باعث می شود تا مشکلی که در نوع پیشین زیان که توسط سازمان مورد مطالبه قرار می گرفت و به دلیل شرط بودن شخصی و مستقیم بودن زیان وارده بروز می کرد، در اینجا به نحو حادثتری مطرح گردد؛ در این نوع، نه تنها زیان شخصی و مستقیم بر سازمان محرز نیست، بلکه، حتی زیان وارد بر افراد مجموعه نیز محرز نیست، ضمن آنکه دفاع از هدف مجموعه، دفاع از متضررینی هم هست که جزء اعضای این نهاد نیستند. بنابراین، طرح دعوی

۱ grand cause

۲ . altruiste

۳ A.Morin, "l' action d intérêt collectif exercée par les organisations de consommateurs avant et après la loi du 5 janvier 1988", R.E.D.C.(1991).P.3

حقوقی در مقابل دادگاه حقوقی (ونه کیفری) با مشکل جدی مواجه است.^۱

از سوی دیگر، هم به دلیل فقدان بعد مادی زیان (که قابل محاسبه باشد) و هم وجود ابعاد عمومی زیان، عملاً دعوی مسئولیت مدنی هم، به جای مطالبه غرامت، با هدف پیشگیری از وقوع زیان های بعدی اقامه می گردد که هدفی شبه عمومی است.^۲ به همین خاطر، نویسندگان حقوقی فرانسه، ماهیت دعوی مسئولیت مدنی در مورد حاضر را، عملاً کیفری دانسته اند. به همین جهت، از این نوع دعاوی با عناوینی مثل دعوی شبه عمومی (Action quasi-publique) یا دعوی فرضا مدنی (Action civile fictive) یا دعوی اصلالتا کیفری (Action a realite repressive) یاد کرده اند.^۳

از دیدگاه ایشان، در حقوق امروز فرانسه، دیگر مسئولیت مدنی تنها هدفش جبران خسارت نیست و هدف تنبیهی و پیشگیرانه را هم دنبال می کند؛ به عنوان نمونه، از مثال های فراوانی یاد شده است که جنبه خصوصی مساله در مقایسه با حکم شدید صادره، خفیف تر به نظر می رسد که، دلیل این سختگیری، پیشگیری از تکرار رفتار صورت گرفته و نوعی تنبیه خصوصی مرتکب است: در رای که از سوی دادگاه تجدید نظر پاریس صادر شده، هفته نامه "پاری مج" به دلیل مقاله مندرج در آن که آقای "هانری درلان" را به دلیل به باد دادن ثروت خانوادگی شان مورد انتقاد قرار داده بود، به عنوان خسارت وارد بر شخصیت، به دوست هزار فرانک محکوم نموده است.^۴ همچنین، همین مرجع، رستورانی را به دلیل استفاده غیر مجاز و محدود از نام مشهور "توردرژان" به مبلغ یک میلیون و سیصد هزار فرانک محکوم نموده است؛ آرائی که به وضوح نشان دهنده چنین رویکردی توسط رويه قضایی فرانسه هستند.^۵ حال، به اعتقاد حقوقدانان، در پیشانی این حرکت که همچون گذشته های حقوق، به آمیختگی نسبی حقوق کیفری و مدنی می انجامد، به رسمیت شناخته شدن دعاوی سازمان ها نسبت به اهداف جمعی قرار دارد که جلوه واضحی از هدف تنبیهی و پیشگیرانه مسئولیت مدنی است.^۶

۱ A.Morin, op cit, p . 5

۲ آشوری، محمد، همان منبع، ص ۴۲۹

۳ F.Boulan, " le double visage de l' action civile exercé devant la juridiction répressive", j.c.p.(1973).i.2563

۴ P.Cassia, " vers une action collèctive en droit administratif", R.F.D.A.(2009),657

۵ ibid.p.659

۶ L.Boré, op cit, p.311

به هر حال، با اینکه اکثر قریب به اتفاق دعاوی انجمن ها در قالب کیفری مطرح شده و می شوند (که در ادامه بیشتر بحث شده است)، ولی طرح دعوی مدنی نیز (هر چند که عملاً ماهیتی کیفری داشته باشد)، علیرغم مقاومت های سابقه دار دادگاهها (به ویژه به دلیل محرز نبودن ضرر شخصی)، پذیرفته شده و نمونه هایی از آنها در رویه قضایی فرانسه موجود است.^۱

ویژگی های خاص این نوع خسارت که بدان اشاره شد باعث شده است که دعوی مسئولیت مدنی عملاً به ندرت طرح شوند و در مقابل، چون تحقق این نوع زیان ها عموماً ملازمه با تحقق جرم کیفری دارند، با ظرفیتی که از قدیم برای طرح دعوی جزایی توسط این انجمن ها وجود داشته، این مجموعه ها اقدام به طرح دعوی کیفری علیه مجرم و به تبع آن، دعوی خصوصی مطالبه غرامت نمایند.^۲

"به همین خاطر، ۹۷/۴ درصد از دعاوی سازمان های حامی مصرف کنندگان بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۲ در مقابل دادگاههای کیفری مطرح شده اند که این نمی تواند اتفاقی باشد. علت این است که این سازمان ها بیشتر راغب هستند که متجاوزین به اهداف این نهادها مجازات شوند تا از تجاوزهای بعدی دیگران پیشگیری شود. به خاطر همین است که گاهی این انجمن ها غرامت بسیار اندکی (غیر از مجازات درخواستی) مطالبه می کنند. اگر هم در مواردی، مبالغ کلانی به عنوان غرامت مطالبه کنند، به عنوان این است که علاوه بر افزایش دارایی شان، مبالغی هم به عنوان جریمه خصوصی بر مجرم تحمیل شود. این طبیعی است که سازمان ها به دنبال مجازات مجرم باشند و این نوع پیگیری، نسبت به دعوی مسئولیت مدنی، برای اعضای انجمن نودوست خوشایندتر باشد، چون بدینوسیله این اعضا رضایت خاطری پیدا می کنند که نوعی جبران است. در واقع این یعنی: جبران معنوی، برای خسارت معنوی."^۳

نکته جالب دیگر اینکه، روند رو به گسترش دعوی کیفری انجمن ها، عملاً توسط قانونگذار نیز پیگیری و پشتیبانی شده و قوانین متعددی علاوه بر حق طرح دعوی کیفری (که از سابق وجود داشته) مطالبه ضرر و زیان به تبع امر کیفری را نیز برای این انجمن ها تجویز کرده اند (که در ادامه

۱ A.Morin, op cit, p, 10

۲ B.Javaux, op cit, p122

۳ S.Galand carval, "de la fonction de peine prive de la responsabilite civil", p.225, cité par: L.Bore, op cit, p.281

مطلب به برخی از آنها اشاره شده است).

حال با توجه به گستردگی دعاوی کیفری و همچنین نتیجه این دعاوی که اشخاص خارج از اعضای انجمن را نیز شامل می شود و جنبه عمومی می یابد، این نگرانی به وجود آمده است که طرح این دعاوی، به مقابله و رقابت با مدعی العموم در مورد جنبه عمومی موضوع بیانجامد. برخی از نویسندگان مشهور حوزه مسئولیت مدنی معتقدند گسترش اختیار سازمان های مردمی و انجمن ها در طرح دعاوی یاد شده، ممکن است باعث خدشه دار شدن "روش ارزیابی تناسب تقصیر" شود.^۱

بر اساس این روش که مورد حمایت بخش قابل ملاحظه ای از حقوقدانان در حقوق فرانسه است، دادسرا باید این اختیار را داشته باشد که لزوم یا عدم لزوم تعقیب جرائم را تشخیص دهد و تحت شرایطی، برای مصالح مجرم و جامعه، جرمی را تحت پیگرد قرار ندهد.^۲ بر اساس این روش، دادسرا وقتی جرم را تعقیب می کند که مجازات مرتکب مفید و موثر به حال جامعه باشد و ضرورتاً تعقیب جرائم، بدون توجه به آثار اجتماعی آن قابل قبول نیست.^۳ این نگرانی، از جمله عواملی بوده که گاه روند رو به گسترش و رشد طرح دعاوی کیفری را با کندی مواجه کرده است.

دلایل پیش گفته و دلیل اخیر، باعث شده بود تا رویه قضایی کیفری اصولاً با دعاوی جبران این نوع خسارت مخالفت نماید.^۴ با این همه از سال ۱۹۲۰ به بعد، بر اساس مصوبات قانونگذار فرانسه، چنین صلاحیتی عمدتاً برای اتحادیه های حرفه ای در نظر گرفته شد.^۵ همچنین به چند انجمن نیز صلاحیت قانونی اقامه دعاوی گروهی اعطا گردید^۶؛ به ویژه به انجمن های دفاع از حقوق مصرف کنندگان که قانونگذار فرانسه، به آنها همیشه ارفاق بیشتر کرده است. ولی رویه قضایی مایل نبود تا مدت های زیادی، برای انجمن ها چنین اختیاری قائل شود، مگر در مورد دفاع از حقوق و منافع فردی اعضای انجمن که پیشتر مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا، دیوان

۱ ژوردن، پاتریس، همان منبع، ص ۱۸۷

۲ پیشین

۳ آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، (تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲) ص ۱۶۶

۴ Le Tourneau, op cit, p. 455

۵ Viney, G, Introduction à la responsabilité, (Paris, L.G.D.J. 2009) p. 235, Malaurie, Aynès, Munck, op cit. P. 121.

۶ Mazeaud, op cit, n. 611

عالی فرانسه، این نوع دعاوی را به دلیل عدم وجود متن قانونی که صریحاً حق طرح چنین دعاوی را برای انجمن شناسایی کرده باشد نمی پذیرفت.^۱ در این خصوص، رأی از شعبه مختلط دیوان عالی صادر و این موضوع را صراحتاً اعلام نموده است. ابراز این رأی از طرف شعبه مختلط دیوان نشان می دهد که رویه شعبه مدنی و شعبه کیفری در این مورد یکسان بوده است.^۲ اما با گذشت زمان، محاکم تالی در موارد متعددی بر خلاف این رویه رأی دادند و رفته رفته این حق در قوانین خاص (به ویژه قوانین کیفری) برای پاره ای از انجمن ها توسط قانونگذار فرانسه شناسایی شد.

دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم، چه در مقابل محاکم کیفری طرح گردد و چه محاکم حقوقی، چنانکه اشاره شد، اصل اولیه در رویه قضایی فرانسه این بوده که انجمن ها در این مورد دارای نفع یا سمت نیستند، به این معنا که نفع شخصی و مستقیم برای طرح دعوی نداشته و جز در موارد خاص، سمت قانونی یا قراردادی نیز برای طرح دعوا ندارند. با اینهمه این موضوع بدون استثنا نیز نبود؛ شعبه کیفری دیوان، دعوی خصوصی انجمنی که به هدف زنده نگه داشتن یاد کشته شدگان کمپ های اسرای جنگی تأسیس گردیده بود، با این دلیل که «پذیرش مداخله انجمن، از هدف خاص و موضوع مأموریت آن ناشی می شود»^۳ پذیرفت. پس از این رأی، محاکم تالی در سه مورد دیگر نیز در مورد پذیرش دعوی انجمن در خصوص اهداف بزرگ، نظر مساعد خود را اعلام کردند.^۴ هر چند در ابتدا، برخی این آراء را استثنایی قلمداد می کردند اما صدور آراء مشابه بعدی، تمایل مراجع قضایی عالی و دادگاه های تالی برای حمایت از دعاوی انجمن ها برای اهداف بزرگ را نشان داد.^۵

تردید رویه قضایی، با اختیاراتی که به مرور توسط قانونگذار فرانسه، برای پاره ای از انجمن ها در طرح دعوی خصوصی ناشی از جرم شناسایی شد، جبران گردید. در حال حاضر، برای انواع مختلفی از انجمن ها، این حق با شرایط متفاوت وجود دارد تا در

۱ Viney, op cit , p. 230

۲ cass.ch.réunies, 15 juin, 1923

۳ crim.14 janv.1971.D.1971.101,rapport chapar.

۴ Aix.en.provenence,1973, Gaz.pal 1974, 1, 132; (موضوع زنان و کودکان) colamar,10 fév,1977; (موضوع فقرا و تهیدستان) cour d'assise paris, 15 déc, 1977. 1978,61.

۵ به طور مثال : paris,25 fév, 1985,D.1987

مواردی که پیشتر در صلاحیت انحصاری دادسرا تلقی می شد، به عنوان مدعی خصوصی اقامه دعوی کنند. در واقع قانونگذار فرانسه نوعی از دعاوی جمعی را مطرح کرد که پیش از این سابقه نداشت و در این گونه دعاوی هیچ گونه زیان شخصی به عنوان دلیل فرض نشده است.^۱ این دعاوی به عنوان دعاوی خصوصی ناشی از جرم، در مورد برخی از انواع مشخص جرایم شناسایی شده است. از این قبیل، می توان از دعاوی انجمن های مبارزه علیه نژاد پرستی و نابرابری های بر اساس زادگاه، قومیت، نژاد یا مذهب (ماده ۱-۲ قانون آیین دادرسی کیفری)، مبارزه علیه خشونت های جنسی (ماده ۲-۲ قانون آیین دادرسی کیفری) نام برد. و این فهرست همچنان ادامه دارد و قانونگذار فرانسه به مرور بر شمار این انجمن ها افزوده است. بر این اساس، در بین سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ بیش از ۵ دعاوی جمعی سایر موارد از این سنخ، بر مبنای مواد ۱۲-۲ تا ۱۶-۲ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شده است: مبارزه با بزهکاری جاده ای، دفاع و محافظت از حیوانات، حمایت از زبان فرانسه، حمایت از بزه دیدگان مربوط به تصادفات و حوادث ایجاد شده در حمل و نقل یا در اماکن عمومی، مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و نقل و انتقال مواد روانگردان. پس ملاحظه می شود که در مورد این نوع زیان ها، عملاً دعاوی حقوقی تحت الشعاع دعاوی کیفری است.

این روش در واقع بهره گیری حکومت از حضور نامحسوس گروه های فشار در ایجاد حمایت از ارزش های جدید مورد حمایت وی است. در واقع، این انجمن ها به عنوان بازوی کمکی مدعی العموم و قوای انتظامی عمل می کنند.

با این همه، مقررات قانونی جدیدتر تلاش کرده اند که از رفتار مداخله جویانه انجمن ها جلوگیری نمایند؛ از یک سو، تعدادی از دعاوی به دلیل رضایت زیان دیده مستقیم جرم که در نتیجه آن دعوا غیر قابل رسیدگی محسوب می شود از دسترس انجمن ها خارج می شود^۲ و از سوی دیگر، برخی از متون قانونی، حتی انجمن ها را در برخی از موارد، از اینکه خودشان تعقیب را شروع کنند منع کرده و صرفاً حق پیوستن به تحقیقات و تعقیب آغاز شده بوسیله قوای انتظامی و دادستانی و یا بزه دیده برای آنها قائل شده اند. علاوه بر این، از نظر محاکم کیفری نیز در عمل

^۱ Viney, op cit, p.236

^۲ Le Tourneau, op cit , p. 456

محدودیت هایی اعمال می شود، از جمله اینکه بر اساس نظر شعبه کیفری دیوان عالی کشور، به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «دعوی حقوقی در محاکم کیفری دیوان عالی کشور به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تنها توسط شخصی قابل طرح است که متحمل زیان شخصی شده است که به طور مستقیم، منشاء آن، جرمی تحت تعقیب باشد، مگر به حکم قانون.^۱» محاکم فرانسه، گاهی اینچنین نظر داده اند که خسارت به منافع جمعی، با زبانی که مطالبه خسارت در مورد آن حق انحصاری قوای عمومی و مدعی العموم است، خلط شده است. برخی از اوقات هم، بر عکس، نظر بر این بوده که زیان وارد آمده، تنها به یک یا چند شخص مربوط بوده و نمی تواند مبنای طرح دعوی زیان گروهی آنچنان که وصف کردیم، باشد.^۲ همچنین گفته شده است انجمنی که به طور قانونی می تواند جبران آسیب های وارده به منافع گروهی اعضایش را بخواهد، در صورت عدم وجود مجوز قانونی نمی تواند برای دفاع از منافع عمومی در دادگستری اقامه دعوی کند و نمی تواند خود را زیان دیده مستقیم و شخصی اعمالی بداند که در تعارض با ارزش های مورد دفاع آن است.^۳ بنابراین، اگر انجمنی که موضوع آن دفاع از منافع گروهی تماشاگران است، علیه یک کانال تلویزیونی و برنامه سازانی که یک گزارش ساختگی ارائه داده اند، شکایت کند، این دعوا قابل قبول نیست.^۴

با این همه، راه حل های متعددی نیز برای پذیرش دعوی جمعی ایجاد شده است؛ شعبه کیفری دیوان عالی کشور در موارد متعددی نمونه هایی از پذیرش واضح را در دعوی کمیته مبارزه با اعتیاد الکل^۵ یا دعوی انجمن حفظ یاد و خاطره قربانیان اخراج و تبعید^۶ نشان داده است. در این موارد، دیوان عالی تحلیل کرده است که انجمن «بطور خاص تشکیل شده» برای مبارزه با اقداماتی که مربوط به دعوی است که به عنوان مدعی خصوصی مطرح کرده است و اینکه انجمن «از نظر فایده و کاربرد اجتماعی برای این هدف شناخته شده» و همچنین «مداخله انجمن

۱ به طور مثال 12/100 (Bull.crim, n 100) 23 juin 1986 / 27 mai 1975 (BULL.crim, n 133) / 146 (Bull .crim. n 146) : 1988 avrill

۲ به طور مثال : L. Huguency , n, 1.321, cs. 1920.18 octobr 1913 crim,

۳ Le Tourneau,op cit .p. 455, viney,op cit,p. 233/ TGI paris, 15 nov.1991

۴ TGI paris. 5 jue, 1994

۵ V.crim, mars 1960 D,1960,652

۶ crim ,14 janvier 1971, aff.le pen



ناشی از خصوصیت هدف و موضوع ماموریت آن» است.

به عبارت دیگر، علیرغم آنکه شعب کیفری دیوان همچنان بر محدودیت های سابق (همچون ضرورت وجود ضرر شخصی و انطباق دعوی انجمن با موضوع آن و ...) تاکید دارند، با اینهمه، توجهات گوناگون دادگاهها در پذیرش دعوی مطالبه زیان های جمعی این نهادها، مثل استناد به منحصر بودن روش مطالبه غرامت در زیان گروهی، یا استناد آنها به انگیزه های عمومی که به عنوان هدف انجمن ثبت شده است و امثال آنها باعث ذینفع تلقی شدن انجمن در صدور حکم تلقی می شود و عملاً باعث پیشروی پرشتاب یا حتی رادیکال رویه قضایی به سمت گسترش اختیار انجمن ها در طرح دعوی جمعی است.^۱

به هر صورت با اینکه دغدغه ها در خصوص هرج و مرج و بی نظمی در طرح دعوی و بروز دشواری برای محاکم هنوز وجود دارد^۲، با اینهمه، قانونگذار با وضع مقررات متنوع، همچون قانون ۱۷ مارس ۲۰۱۴ راجع به مصرف و شناسایی رسمی دعوی جمعی انجمن های مرتبط از طرف گروه نا معین^۳ و رویه قضایی با توسعه عملی اختیارات نهادهای یاد شده، عملاً همگام با توسعه فعالیت انجمن ها، در راستای گسترش اختیارات انجمن در طرح دعوی جمعی پیش می روند.^۴

نتیجه گیری

امکان مطالبه زیان های وارد بر افراد یک انجمن از طرف شخص حقوقی یا زیانهای جمعی اعضا (به معنی خاص آن)، یعنی زیان هایی که بر مجموعه افراد، به مناسبت تعلقشان به یک مجموعه وارد می شود و شخص صالح برای چنین اقدامی، هنوز در عالم حقوق مورد بحث است. پرسش یاد شده در مورد انجمن ها و سازمان های غیر دولتی، به علت ارتباط اجتناب ناپذیر آن با دعوی عمومی و بالطبع مصلحت سنجی های کیفری پیچیده تر است.

پس از قریب به صد سال چالش نظری و عملی حقوق فرانسه با موضوع مورد بحث، اکنون در

^۱ viney, op cit , p .233,4

^۲ Seriaux, Alain, Droit des obligations, 2è édition,(paris, PUF, 1998), p. 470.

^۳ ژوردن، پاتریس، همان منبع، ص ۱۸۸ et s 236 viney, op cit,

^۴ Malaurie, Aynès, munck, op cit , p. 122 . Le Tourneau, op cit , p. 455. Viney, op cit , p. 234

نظام حقوقی فرانسه، قابلیت مطالبه زیان های گروهی اعضا توسط انجمن، به وسیله رویه قضایی آن کشور کاملاً پذیرفته شده است و قانونگذار فرانسه از سال ۱۹۷۰ تا کنون، طیف وسیعی از انجمن ها را در مطالبه زیان های جمعی نیز مسبوط الید گذاشته است، به گونه ای که این فرایند به سمت همکاری قضایی نهادهای یاد شده با نهادهای قضایی (به ویژه دادسرا) در حال حرکت است. رویه قضایی این کشور نیز می کوشد، ضمن اینکه مانع دخالت نهادهای خصوصی در مصلحت سنجی های عمومی شود و بی آنکه ضوابط آمره مرتبط را زیر پا گذارد، مانع تاثیر گذاری نهادهای خصوصی حامی مصالح اجتماعی و منافع عمومی نشود؛ امری که با ملاحظه اقتضانات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی، قابلیت بهره برداری دارد.

در نظام تقنینی ایران، پاسخ صریحی نسبت به موضوع وجود ندارد. با اینهمه، مطالبه ضرر گروهی از دیدگاه حقوقدانان امکان پذیر است. در خصوص مطالبه زیان جمعی نیز، قانونگذار اخیراً در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری، امکان اعلام جرم و شرکت در روند دادرسی و اعتراض به رای صادره را پیش بینی کرده است. هرچند که پذیرش اعلام جرم از سوی سازمان های مردم نهاد، به معنی به رسمیت شناختن مطالبه غرامت ناشی از جرم نیست، ولی همچنانکه ملاحظه شد، در نظام حقوقی فرانسه نیز، علیرغم امکان طرح دعوی خصوصی مطالبه غرامت، عملاً در این نوع زیان ها، سازمان ها تمایل بیشتری به تعقیب کیفری عامل زیان جهت پیشگیری از تکرار ضررهای مشابه و همچنین تشفی خاطر اعضای سازمان به مثابه جبران معنوی ضرر دارند، که مشابه این روند، می تواند با عملی شدن دخالت سازمان های مردم نهاد در اعلام جرم و پیگیری آن در حقوق ایران نیز محقق شود. هرچند این تحول با توجه به عدم شناسایی حق طرح دعوی مطالبه زیان ناشی از جرم یا طرح مستقل آن برای سازمان های مردم نهاد، با وضعیت حاکم بر نظام حقوقی فرانسه یکسان نخواهد بود.



منابع

فارسی

- آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ دهم، ج ۱، (تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲).
- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهارم، (تهران، سمت، ۱۳۸۲).
- انصاری، باقر و دیگران، *مسولیت مدنی رسانه های همگانی*، چاپ اول، (تهران، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح ریاست جمهوری، ۱۳۸۱).
- باریکولو، علیرضا، *مسولیت مدنی*، چاپ دوم، (تهران، میزان، ۱۳۸۵).
- بهرامی احمدی، حمید، *ضمان قهری (مسولیت مدنی)*، چاپ اول، (تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ دهم، (تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰).
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲)، *مسولیت مدنی*، چاپ اول، (تهران، میزان، ۱۳۹۲).
- ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، چاپ چهارم، (تهران، میزان، ۱۳۸۴).
- شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، چاپ پانزدهم، (تهران، درآک، ۱۳۸۶).
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، *مسولیت مدنی*، چاپ اول، (تهران، سمت، ۱۳۸۹).
- کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول، چاپ هفتم، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵).
- کاتوزیان، ناصر، *الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، جلد اول، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷).
- نقیبی، سید ابولقاسم، *خسارت های معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر*، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶).

فرانسه

- A.Morin, "l' action d intérêt collectif exercée par les organisations de consommateurs avant et après la loi du 5 janvier 1988", R.E.D.C.(1991).
- B.Javaux, "Les actions de groupe en france, régimes juridiques et

pèrspectives",D.(2016).

- Boré, Louis, *La défense des intérêt collectif par les association devant les jurisdiction adminisratif et judiciaries*(Paris, L.G.D.J.,:1997)

- F.B.boulan, "le double visage de l' action civil exercé devant la juridiction répressive,j.c.p.i.2563".(1973)

- Flour,J , Aubert,J-L, Savaux,E, *Les obligations*,(paris, ARMAND COLIN,DELTA .2004)

- Guinchard, serge, "L'action de group en procédure civile française, recue international",V,42, N.2,(1990)

- Le Tourneau, P., et Cadiet,l., *Droit de la responsabilité*,(paris, Dalloz, 1996)

- Malaurie,PH , Aynès,L, Stoffel munch , PH , *Les obligations* ,(paris, lextenso ,2009)

- Marty,G., Raynaud, P., *Droit civil, les obligations*, T. II,(paris, Sirey, 1988)

- Mazaud, Henri & Léon & Jean, *leçons de droit civil, Obligations*,(paris, Montchrestin, 2000)

- P.Cassia," vers une action collèctive en droit administratif ",R.F.D.A. 657(2009)

- Planiol,M., Ripert,G., *Traité pratique de droit civil français*T.VI, Obligations, 2é èd(paris, L.G.D.J., 1990)

- R.Martin, "l' action en representation conjointe" j.c.p.I.3756(1994)

- Seriaux, Alain, *Droit des obligations*, 2è édition,(paris, PUF, 1998)

- Vincent et Guinchard , *procédure civile*, (paris, Dalloz, 1987)

- Viney,G , *Introduction à la responsabilité* , (paris, L.G.D.J. 2009.